

سناریوی ازدواج به فرار از کشور ختم شد

دختر جوان که با همدستی خواستگارش سناریوی آدمربایی ساختگی خود را طراحی کرده بود تا از خانواده‌اش پول بگیرد، وقتی به نتیجه نرسید با پسر جوان قاچاقی از کشور خارج شد.

به گزارش ایران، اواخر خرداد امسال، مرد میانسالی به دادرای امور جنایی پایتخت رفت و از ربوده شدن دخترش خبر داد. مرد میانسال زمانی که در مقابل قاضی شعبه اول دادیاری دادرای جنایی قرار گرفت، گفت: ساکن یکی از شهرهای جنوبی کشور هستم. دخترم سه هفته قبل به بهانه دیدن یکی از دوستانش که بیمار بود، خانه را ترک کرد. این آخرین باری بود که دخترم ماهرخ را دیدم و بعد هم تلفنش خاموش شد. به سراغ دوستش رفتم اما مشخص شد عیادت از او بهانه بوده تا با این ترفند از خانه فرار کند.

او ادامه داد: ناپدید شدن دخترم را به پلیس گزارش کردم و آنها هم برای یافتن ردی از دخترم تحقیقات زیادی انجام دادند. تا اینکه به خواستگار 20 ساله دخترم شک کردند، اشکان مدتی قبل به خواستگاری دخترم آمده بود اما از آنجایی که از نظر مالی و اجتماعی با ما تفاوت داشتند و از طرفی دخترم فقط 18 سال داشت و برای ازدواجش خیلی زود بود، مخالفت کردیم. با این احتمال که او در ناپدید شدن دخترم نقشی داشته باشد مأموران به محل زندگی اشکان رفتند، اما او هم همزمان با ماهرخ ناپدید شده بود. در جست و جوی اشکان و دخترم بودیم که یک هفته بعد تماسهای مشکوکی با تلفن همراه گرفته شد.

شخصی با تماس اینترنتی مدعی شد دخترم را ربوده و نزد آنهاست و در ازای آزادی‌اش 5 میلیارد تومان دلار و طلا می‌خواهند. موضوع را به پلیس خبر دادم و آنها هم در تحقیقات دریافتند که تماسها از تهران صورت گرفته شده و بدین ترتیب پس از هماهنگی‌های قضایی راهی تهران شدم تا عاملان ربایش دخترم شناسایی شوند. این را هم بگویم در این

مدت چندین بار آدم ربایان

با من قرار گذاشتند اما هر بار که به محل قرار رفتم، آنها نیامدند.



#دکتر کبری_ درویش_پیشه

در جریان پیگیری پرونده از سوی کارآگاهان پایتخت، به دستور قاضی روحانمزاده، کارآگاهان موفق به شناسایی مخفیگاه مردی شدند که با خانواده ماهرخ تماس می‌گرفت. بررسی‌ها نشان داد که مخفیگاه آدم‌ربای احتمالی، محل زندگی یکی از اقوام اشکان است. زمانی که مأموران وارد محل شدند؛ مرد صاحبخانه در تحقیقات گفت: زمانی که خانواده ماهرخ با این ازدواج مخالفت کردند، اشکان و ماهرخ نقشه فرار کشیدند.

آنها به تهران آمدند و چند روزی هم خانه من بودند، اما برای ادامه زندگی نیاز به پول داشتند و به همین دلیل نقشه آدم‌ربایی ساختگی را طراحی و اجرا کردند اما هر بار که برای گرفتن پول قرار می‌گذاشتند چون پلیس هم در محل بود، فرار می‌کردند. در نهایت هم تصمیم گرفتند طلاهای ماهرخ را که 300 میلیون تومان بود، بفروشند تا به قاچاقبر بدهند و آنها را به نقطه صفر مرزی و در نهایت به ترکیه برسانند. الان هم دیگر از آنها خبر ندارم. با توجه به فرار دختر و پسر جوان، قاضی شعبه اول دادیاری دادرسی جنایی دستور داد تا از طریق پلیس بین‌الملل دختر فراری و خواستگارش را دستگیر و تحویل پلیس ایران شوند.